

خانه به دوش فرهنگی

درست است که آمیلی نوتومب به زبان فرانسوی می نویسد، اما او فرانسوی نیست. بلژیکی است. پدرش دیپلمات بود و آمیلی متولد سال ۱۹۶۷ در شهر کوبه ژاپن است. سفرهای عدیده حرفه‌ای پدر، آمیلی را به گفته خودش آزار زیادی داد و از او موجودی خانه به دوش فرهنگی ساخت. باز هم به گفته خودش نداشتن ریشه موجب شد که به نویسندگی روی آورد تا شاید موقعیت چندگانه فرهنگی و هویت چند ملتی اش را درک و هضم کند.

اول پاییز، فصل از سرگیری فعالیت ادبی ناشران است. امسال در اروپا ناشران در ماه‌های سپتامبر و اکتبر ۶۵۹ رمان فرانسوی و خارجی به خوانندگان عرضه کرده‌اند و از این تعداد فقط ده عنوان، از جمله آخرین رمان آمیلی نوتومب، به تیراژی متجاوز از پنجاه‌هزار نسخه روانه بازار شده است. در این میان رمان‌های فرانسوی پیشازند، با اینکه رمان‌های خارجی با ۲۳۹ عنوان در سال ۲۰۰۹ در مقایسه با سال گذشته اندکی فزونی گرفته است.

سفر زمستانی نام آخرین رمان آمیلی نوتومب است که به مجرد انتشار در هفته‌های اخیری که در اروپا بودم در صدر پرفروش‌ترین رمان‌ها قرار داشت و از قرار معلوم هنوز نیز قرار دارد. آمیلی نوتومب ۴۲ سال دارد و سفر زمستانی هجدهمین رمان اوست. او که با

En premières lignes

Dans les aéroports, quand je passe à la fouille, je m'énervé, comme tout le monde. Il n'est jamais arrivé que je ne déclenche le fameux bip. Du coup, j'ai toujours droit au grand jeu, des mains d'hommes me palpent de la tête aux pieds.



● آملی نوتومب

همان رمان اولش به نام بهداشت قاتل در سال ۱۹۹۲ به شهرت رسید، در سال سه تا پنج رمان می نویسد و می گوید هر روز چهار تا هشت ساعت به کار نویسندگی می پردازد. آملی نوتومب همواره لباس مشکمی به تن می کند. بسیاری از دوستان و آشنایان و خوانندگانش بر این باورند که وی برای مخفی داشتن هویت اصلی اش زیر البسه سیاه پنهان می شود. اما آملی زنی تک بُعدی و تک هویتی نیست. دچار بحران چهل سالگی نیز همانند «نویسندگان» زن ما نیز نشده است. او از همان بچگی طوفان درونی را تجربه کرده است. شاید به همین جهت است که دشواری های عشقی را با چنین شفقت و حساسیتی تشریح می کند. با فصل های کوتاه رمانش و بازی با الفاظ، نوتومب خواننده اش را وامی دارد تا فراسوی آنچه نوشته است برود.

در سفر زمستانی مردی می خواهد هوایمایی را ربوده آن را به برج ایفل بکوبد و منفجر کند، در واقع این مرد با دشمن درونی اش در نبرد است. شخصیت اصلی رمان که «زوئیل» نام دارد یک قهرمان نیست. او یک ضد قهرمان است؛ سیاسی، متهور و رشید هم نیست. او عاشق است و در پژوهشی نمادین می خواهد دلیل موجهی بر این عملش پیدا کند. زوئیل در فرودگاه در انتظار سفر هوایی اش نشسته است و می داند که خواهد مُرد اما نیاز به نوشتن مطلبی دارد که نیک می داند کسی فرصت خواندنش را نخواهد

داشت. زوئیل می‌داند که دستنویس خود را همراه خواهد برد. با این احوال خواننده به نوعی وصیت‌نامه او را در دست دارد و می‌خواند. این وصیت‌نامه توجیه می‌کند زوئیل چگونه به این تصمیم رسیده است.

دوستانارانِ موسیقی می‌دانند که سفر زمستانی نام قطعه‌ایست که شوبرت تصنیف کرده است. در این قطعه موسیقی زمستان مترادف با مرگ است. اما در رمان سفر زمستانی آملی نوتومب، زمستان تداهی احوالات روحی زوئیل را می‌نماید و مترادفِ دوزخ است. با اینکه از تحسین‌کنندگان و دوستاناران خانم آملی نوتومب نیستم، این رمان ۱۴۴ صفحه‌ای را در طی دو ساعت از روی کنجکاوی خواندم. مجذوب رمان نشدم، اما نثر خوب نوتومب مرا تحت تأثیر قرار داد. خیال ترجمه کردن این رمان را هم ندارم. این گوی و این میدان برای آنهایی که این اشتیاق را دارند. به احتمال در کشور ما هم پرفروش می‌شود... اما چرا این رمان میان‌مایه هفته‌هاست که در صدر پرفروش‌ترین رمان‌ها قرار گرفته است؟ تصور می‌کنم به خاطر تبلیغات بسیار گسترده ناشرش، عکس‌ها و مقالات متعدد در جراید، نقد و معرفی رمان توسط حرفه‌ای‌ها، مصاحبه‌های تلویزیونی یا در جمله‌ای کوتاه هر آنچه ناشران ما نمی‌کنند یا نمی‌توانند کنند.

۸۰

نمایندگان محترم بخارا در شهرستانها!

تاکنون بارها از نمایندگان بخارا در شهرستانها خواسته‌ایم تا بدهی خود را بپردازند اما هنوز تعدادی از آنان بدهی‌های عقب‌افتاده خود را نپرداخته‌اند. بدین وسیله بار دیگر تمنا می‌کنیم با پرداخت بدهی خود، ما را در انتشار مجله یاری دهند. این موضوع به هر زبان که تکرار شده و می‌شود از باب آن است که انتشار مجله از جمله منوط به خوش‌حسابی نمایندگان ما در شهرستانهاست.